

## تأثیر رده بندی ارسطو بر رده بندی های اسلامی

مرتضی محمدنیا

انواع طرح های رده بندی

طرح های رده بندی با توجه به هدف آنها به دو دسته نظری و عملی تقسیم می شود. برای رده بندی نظری تقسیمات ذیل را قائل شده اند:

۱. رده بندی فلسفی و علمی که به طور مجرد ناظر بر ترتیب علوم یا ترتیب اشیا است.

۲. رده بندی آموزشی که در ارتباط با برنامه های آموزشی تهیه می شود.

۳. رده بندی دائرةالمعارفی که تقریباً مشابه رده بندی آموزشی است، با این تفاوت که حاوی برخی مطالب از جمع مختصری در باب هر یک از علوم نیز هست.

طرح های عملی نیز به رده بندی کتابخانه ای برای تنظیم کتب در قفسه کتابخانه ها و رده بندی کتاب شناختی برای تنظیم کتاب شناسی ها یا فهرست ها تقسیم می شود. از میان رده بندی های نظری، رده بندی ارسطو را می توان نام برد که در مباحث بعدی به آن اشاره می شود (حقیقی، ۴۶).

لزوم طرح های رده بندی

اگر بزرگان علم و فلسفه و دین درباره طبقه بندی علوم اظهار نظر کرده اند به این دلیل است که ساختمان ذهنی و فکری انسان

مقدمه

علم در ابتدا واحد بوده سپس به علوم مختلف تقسیم حاصل شده است، با این حال نباید از وحدت علم غافل بود.

در صدر تاریخ حکمت یونان، علم یکی بود و به آن فلسفه می گفتند و لفظ فلسفه بر مجموعه معرفت های نظری و عملی بشر یعنی افکار علمی راجع به طبیعت و انسان و نظریات درباره حقایق اشیا و تصورات راجع به زیبایی و خیر اطلاق می شد. در این معنی کسانی مانند فیثاغورس در قرن ششم قبل از میلاد خود را فیلسوف می نامیدند. اما هر قدر که شناسایی پیشرفت حاصل کرد و افزون گشت، امکان احاطه یک نفر بر جمیع معرفت های بشری کمتر می شد. بدین وجه، کم کم علم از صورت واحد خارج گشت و تألیفی شد از علوم مختلف؛ دانشمندان هر کدام رشته ای را برگزیدند و دامنه فعالیت علمی خود را به یک رشته محدود ساختند و تخصص در یک علم را اختیار کردند. پس برای مانع شدن از قطع رابطه بین علوم و از میان رفتن وحدتی که

این ضابطه البته مبنای عقیدتی دارد و چون «اشرفیت» امری نسبی و اضافی است و به حسب ملل و ادیان و اقالیم تفاوت می‌کند نمی‌تواند چندان پایه علمی داشته باشد (طاهری عراقی، ۱۱).

#### طرح رده‌بندی ارسطو

ارسطو نخستین کسی بود که به رده‌بندی دانش متوجه شد و تقسیماتی را بنیان نهاد که در طول قرون نفوذی عمیق یافت. وی علوم را به سه قسمت عمده یعنی: علوم نظری (ریاضیات و فیزیک و ماوراء الطبیعه) و علوم عملی (اخلاق و سیاست مدن و تدبیر منزل) و علوم ذوقی یا خلاق (خطابه، شعر و جدل) تقسیم کرد (شاله، ۵۹). اساس دو گروه نخست، همان است که در زمان ما به نام علوم محض و علوم عملی خوانده می‌شود. گروه نظری مسائلی را در بر می‌گیرد که با شناختن حقیقت سر و کار دارند و غرض از مطالعه آنها دگرگون ساختن نیست، مانند فلسفه و دین و روان و ریاضیات. گروه عملی آن دسته از مسائلی است که هدف از مطالعه آنها ایجاد تغییر و یافتن بهترین راه است. گره سوم شامل پدیده آوردن آثاری است که انسان خلق می‌کند (ابرامی، ۱۴۴). ارسطو منطق را یک علم مجزا و قائم بذات در نظر نگرفت، بلکه با آن به عنوان مطالعه مقدماتی برای تمامی علوم رفتار کرد. محتوای ریاضیات ارسطو شامل چهار علم افلاطون - حساب، هندسه، نجوم و موسیقی - به اضافه علم مناظر و مکانیک می‌شد و فیزیک را که افلاطون کاملاً از آنها غفلت کرده بود در خود جا می‌دهد.

در مجموع فیزیک از دید ارسطو شامل: مبادی طبیعت، نظم و حرکت ستارگان و اجسام زمینی، کون و فساد به طور کلی، زیست‌شناسی، گیاه‌شناسی و جانورشناسی است (داوودی، ۴۵).

#### ایرادات وارده بر رده‌بندی ارسطو

۱. علوم و فنون را در یک جدول بدون توجه به وجوه شخصی آنها قرار داده است. ۲. به علوم نظری میدان بسیار محدودی اختصاص داده است و از علم تاریخ مطلقاً غفلت کرده است. ۳. این طبقه‌بندی نتوانسته است به حد کافی سه عمل تفکر، اراده و ابداع و ایجاد را از هم مجزا سازد، زیرا آنها پیوسته با هم رابطه نزدیک دارند و در یکدیگر مؤثرند. در حقیقت در هر علم نظری کم و بیش جنبه ارادی وجود دارد و در هر علم ارادی و عملی جنبه نظری دخالت و تأثیر دارد و چنین است در علوم شعری که به طور کلی از تفکر و عمل دور و بیگانه نیست (شاله، ۱۷۵). در قلمرو تمدن اسلامی نیز علوم مد توجه دانشمندان و

همواره نیازمند نظم و انتظام بوده و هست. دانش و آموخته‌های انسان باید همواره انتظام لازم را داشته باشد و ارتباط آن با یکدیگر روشن باشد و لذا دانشمندان در هر زمانی نظر خویش را در این رابطه بیان کرده‌اند (فدائی عراقی، ۲۸۸).

#### ویژگی‌های طرح‌های گذشته

همه طرح‌های گذشته که محصول فکر بشر هستند به نوعی دارای تسامح و قصورند، فی‌المثل درباره طرح ارسطو که علوم را به سه قسمت تقسیم کرده است، می‌توان پرسید که آیا در حکمت عملی، نظر مطرح نیست و آیا اندیشه و نظر با عمل توأم نیست، اگر نیست چگونه شناخته می‌شود و آیا عمل در اندیشه نظری نگارش و انتقال آن نیست، آیا اندیشه ذهنی را نمی‌توان نوعی کار و عمل فکری به حساب آورد یا در حکمت عملی که در واقع نسبت به حکمت نظری سبک وزن تر به حساب آمده نظر و اندیشه مطرح نیست. از گروهی که علوم را به عقلی و نقلی تقسیم کرده‌اند می‌توان پرسید که آیا در علوم عقلی، نقل مطرح نیست و متقابلاً در علوم نقلی، عقل دخالت ندارد. یا از آنهایی که علوم را به دنیا و آخرت تقسیم کرده‌اند، می‌توان سؤال کرد آیا بین دنیا و آخرت می‌توان تفاوتی قائل شد، آیا دنیا و آخرت در ارتباط با یکدیگر نیستند، آیا آخرت ادامه دنیا نیست، چگونه می‌توان علوم دنیایی را از علوم آخرتی جدا کرد. آنهایی که علوم را به علوم اوائل و علوم اواخر تقسیم کرده‌اند، در واقع یک تقسیم‌بندی زمانی کرده‌اند، آیا علوم مربوط به اوائل در علوم اواخر تأثیر و نفوذی ندارد. همچنین غزالی که علوم را به دو دسته، علوم فرض و علوم کفایت تقسیم می‌کند، خارج از این دو، علوم دیگری یافت نمی‌شود (فدائی عراقی، ۲۹۵).

#### مهمترین ویژگی‌های رده‌بندی‌های اسلامی

**عموم و خصوص:** یعنی از موضوعات عام به خاص رفتن و اشتقاق موضوعات اخص از اعم. این قاعده عموم و خصوص - که برخی از آنها به اصل و فرع تفسیر کرده‌اند - مهمترین و اساسی‌ترین قواعد در تنظیم طبقه‌بندی‌هاست.

**توقف یا اناطه:** تعلیم و تعلم بعضی علوم موقوف است بر آگاهی بر دانش‌های دیگر، مانند توقف بلاغت بر صرف و نحو و علم طب بر علم تشریح و علم فقه بر علم اصول. این قاعده که در نظام تعلیمات مدارس اسلامی رعایت می‌شده است در طبقه‌بندی نیز اثر گذاشته است و اغلب این قاعده را در نظر داشته‌اند. **اشرفیت:** یعنی ترتیب علوم بر حسب اشرفیت و افضلیت.

۱. احصاء العلوم فارابی

وی از دانشمندانی است که دانش بشری را رده بندی کرده اند. او در قرن سوم ق در کتاب احصاء العلوم خود دست به این کار زد. به شیوه خاص علوم را رده بندی کرد و حدود هر علمی را با سلیقه ای خاص مشخص نمود. بعد از وی بسیاری از دانشمندان اسلامی با اندک تفسیری تقسیم بندی فارابی را پذیرفته اند و نفوذ آن در اروپای قرون وسطی نیز آشکار است. رده بندی فارابی را می توان چنین خلاصه کرد:

اول. علم زبان مشتمل بر هفت بخش: علم الفاظ مفرد؛ علم الفاظ مرکب؛ علم قوانین الفاظ مفرد؛ علم قوانین الفاظ مرکب؛ علم قوانین درست نوشتن؛ علم قوانین درست خواندن؛ علم تطبیق درست نوشتن و درست خواندن.

دوم. علم منطق مشتمل بر هفت بخش: قوانین مفردات معقولات و الفاظ نماینده آنها؛ قوانین معقولات مرکب و الفاظ نماینده آنها؛ قوانین سنجش قیاس های مشترك در صناعات خمس؛ قوانین امتحان گفتارهای برهانی؛ قوانین امتحان گفتارهای جدلی؛ قوانین آزمون و سنجش گفتارهای خطابی و بحث در امور مربوط به صناعات خطابه؛ قوانین سنجش اشعار و گفتارهای شعری و بحث در اقسام شعر.

سوم. علم تعالیم (ریاضیات) مشتمل بر هفت بخش: علم عدد؛ علم هندسه؛ علم مناظر؛ علم نجوم؛ علم موسیقی؛ علم ائصال در تعیین اوزان و بحث در اصول افزارهایی که برای برداشتن اجسام سنگین به کار می رود؛ علم جبل که از آن جمله است جبر و مقابله و معماری و مهندسی و علم ساختن آلات نجوم.

چهارم. علم طبیعی و الهی: الف) علم طبیعی (فیزیکی) مشتمل بر هفت بخش:

بحث در آنچه میان اجسام طبیعی مشترك است؛ بحث در اجسام بسیط و نیز بحث در عناصر اجسام مرکب؛ بحث در پیدا شدن و نابود شدن اجسام طبیعی؛ بحث در اغراض و انفعالات مختص به عناصر؛ بحث در اجسام ترکیب یافته از عناصر؛ بحث در معادن؛ بحث در علوم گیاهی و جانوران. ب) علوم الهی یا مابعدالطبیعی بر سه بخش: بحث در موجودات و اشیا از لحاظ وجود؛ بحث در اصول و مبادی بر آئین در علوم؛ نظری خاص: مبادی علم منطق، مبادی علوم تعالیم یا مبادی علم طبیعی؛ بحث در موجوداتی که جسم نیستند و در اجسام جای ندارند و اثبات این که همه موجودات به یک اولی می رسند که چیزی بر او مقدم نیست و او واحد مطلق است.

فلاسفه بوده است. در واقع از اواسط قرن دوم تا پایان قرن چهارم ق دانشمندان به نقل و ترجمه علوم اقوام دیگر به ویژه علوم و معارف یونانی پرداختند و معارف یونانی به جهان اسلام منتقل گردید. به این ترتیب گنجینه ای از دانش و اطلاعات آن روزگار برای مسلمین فراهم شد و متفکران و دانشمندان در قلمرو تمدن اسلامی به رشد و توسعه این علوم همت گماشتند و در رشته های مختلف سرگرم تحقیق و ابداع شدند و آثار متعددی پدید آوردند (حقیقی، ۴۶). همان طوری که می دانیم ارسطو علوم را به سه دسته تقسیم کرد، اکثر دانشمندان اسلامی نیز از این طرح استفاده کرده اند و در واقع شیوه علمای اسلامی در رده بندی علوم مستقیماً از رده بندی ارسطو متأثر بوده است، با این تفاوت که علوم جدیدی که از سوی دانشمندان اسلامی باب گردیده بود به آن رده بندی افزوده شد. مهارت علمای اسلامی در تدوین طرح های رده بندی بر آن پایه است که بسیاری از دانشمندان اروپایی را به تحسین واداشته است. در رابطه با تأثیر رده بندی های دانشمندان اسلامی بر کیفیت چیدن کتب و ترتیب آنها در کتابخانه ها متأسفانه اطلاعات چندان درخور توجهی وجود ندارد. البته بی گمان غرض از این طبقه بندی کتاب هم نمی تواند جدا از طبقه بندی علوم باشد. البته در این جا باید اعتراف کنیم که درباره طبقه بندی کتب کتابخانه ها بسیار کم می دانیم (حقیقی، ۴۷). علمای اسلامی در باب رده بندی فعالانه مشارکت داشته اند. ظاهراً قدیمی ترین اثر به جا مانده درباره طبقه بندی دانش ها کتاب حدود جابربن حیان (متوفی ۲۰۰ق) حکیم شیمی دان است (طاهری عراقی، ۹). به طور کلی کسانی در تمدن اسلامی در این زمینه طرح هایی ارائه داده اند که به ترتیب از ایشان نام می بریم و پس از رده بندی معدودی از آنها را ذکر می نمایم؛

خلیل بن احمد (وفات ۱۷۵ق)؛ جابربن حیان (وفات ۲۰۰ق)؛ کندی (وفات ۲۵۲)؛ ابوزید بلخی (وفات ۳۲۲)؛ شعیابن فریغون (وفات ۳۴۴ق)؛ ابونصر فارابی (وفات ۳۳۹ق)؛ ابن ندیم (وفات ۳۸۵ق)؛ اخوان الصفا (ق ۴)؛ خوارزمی (وفات ۳۸۷ق)؛ ابن سینا (وفات ۴۲۹ق)؛ ابوریحان بیرونی (وفات ۴۴۰)؛ ابن حزم اندلسی (وفات ۴۵۶)؛ غزالی (وفات ۵۰۵ق)؛ امام فخر رازی (وفات ۶۰۶ق)؛ خواجه نصیرالدین طوسی؛ قطب الدین شیرازی (وفات ۷۱۰ق)؛ شمس الدین آملی (وفات ۷۴۲ق)؛ ابن اکفانی (وفات ۷۴۹ق)؛ قلقشندی (وفات ۸۲ق)؛ طاش کبری زاده (۹۶۸ق)؛ ملاصدرا (۱۰۵۰ق)؛ حاجی خلیفه (۱۰۶۷ق)؛ تهانوی-وفات ۱۱۵۹ق (فدایی عراقی، ۲۸۹).

طبیعی و الهی و حکمت عملی است و با دقت در مطالب آنها دریافت می شود که نویسندگان این رسائل پس از تدقیق و امعان نظر در مسائل فوق و با علم وافر به نوشتن آنها دست زده و در بسیاری از موارد به تطبیق عقاید و اصطلاحات فلاسفه و اصطلاحات دینی و تأویلاتی در آنها مبادرت کرده اند. این رسائل به چهار قسمت تقسیم شده اند:

- رسائل ریاضیه تعلیمیه، شامل چهارده رساله؛
  - رسائل جسمانیه طبیعییه، شامل هفده رساله؛
  - رسائل نفسانیه عقلیه، شامل ده رساله؛
  - رسائل ناموسیة الهیه و شرعیه و دینییه، شامل یازده رساله.
- در پایان این رسالات یک رساله آمده که جامع تمام مسائل مذکور در رسالات فوق است و در مقدمه آن هم یک رساله در شرح مطالب در هر رساله و دسته بندی و غرض از تألیف آنها قرار داده شده است و بنابر این مجموعه همه این رسالات به ۵۴ می رسد (مرادی، ۹۵).

#### ۴. مفاتیح العلوم از خوارزمی (قرن ۴)

این اثر کتابی دائرةالمعارف گونه در شرح لغات علمی است. خوارزمی این اثر را به دو قسمت مشخص «علوم مذهبی (عرب)» یا «علوم شرعیه» و «علوم غیر عرب» یا «علوم العجم» تقسیم کرده است. اگرچه طرح و ساختار مفاتیح به گونه یک دائرةالمعارف است، اما محتوای آن یادآور کتاب های قاموس عربی مورد استفاده منشیان درباری است. وی در نگارش اثر از روش لغت شناس عرب خلیل بن احمد صاحب کتاب العین پیروی کرده است (مرادی، ۹۷). این کتاب شامل پانزده علم در دو مقاله است. وی طب و کیمیا و تاریخ را بر علوم موجود در احصاء العلوم اضافه کرد (داوودی، ۴۹).

#### ۵. فی اقسام العلوم العقلیه ابن سینا (قرن ۵)

ابوعلی سینا از جمله در این رساله حکمت را به نظری و عملی تقسیم کرده است و حکمت نظری را سه قسم دانسته است: علم طبیعی؛ علم ریاضی؛ علم الهی. حکمت عملی را نیز به اخلاق و تدبیر منزل و سیاست مدن تقسیم کرده است. پس هر یک از علوم طبیعی و ریاضی و الهی را به اصلی و فرعی تقسیم کرده و برای هر یک اقسامی ذکر کرده است (شاله، ۵۹). ابن سینا در کل علوم را به منطق، علم طبیعی، علم ریاضی، علم الهی، علم کلی، علم اخلاق، تدبیر منزل، تدبیر مدینه تقسیم بندی کرده است (داوودی، ۵۰).

پنجم. علم مدنی (= اخلاق و سیاست) و علم فقه و علم کلام (ابرامی، ۱۴۶).

در ضمن باید اشاره کرد فصل منطق این کتاب بسیار شهرت یافت و این اثر از قدیم معروفیت زیادی پیدا کرد. راجر بیکن نیز در آثارش به استفاده از احصاء العلوم اشاره می کند، او «فارابی را در شمار اقلیدس و بطلمیوس و بنیوس و سن اگوستین یاد می کند و در کتاب خود به نام اپوستریتوم (opusteritum) نظر محققان را به آثار آنان، مخصوصاً به کتاب احصاء العلوم فارابی جلب می کند» (حقیقی، ۴۷).

این اثر شاید از نخستین نمونه تقسیم بندی علوم در جهان اسلام است که در اصل به زبان عربی نوشته شده است (دائرةالمعارف فتشیح، ۵۰۵). نکته قابل توجه در این رده بندی اضافه کردن جبر به ریاضیات از طرف اوست و از طرف دیگر وی نیز مانند ارسطو منطق را علمی جدا به حساب می آورد و در ضمن تأکید رده بندی فارابی بیشتر بر علوم عقلیه است (داوودی، ۴۹).

#### ۲. الفهرست ابن ندیم (قرن ۴)

این کتاب به ترتیب موضوعی تنظیم شده و در ذیل هر موضوع به ترتیب نام مؤلفان، فهرست تألیفات آنها نقل شده است. الفهرست به ده مقاله به شرح زیر، منقسم شده است:

مقاله اول در سه فن: لغات و خطوط عربی و عجم، کتب شریعت اسلامی و کتب مربوط به قرآن و اخبار قرای سبعة.

مقاله دوم در سه فن: در نحویان و لغویان.

مقاله سوم در سه فن: در اخبار و آداب و سیر و انساب.

مقاله چهارم در دو فن: شعر و شعرا.

مقاله پنجم در پنج فن: در کلام و متکلمین.

مقاله ششم در هشت فن: در اخبار فقها.

مقاله هفتم در سه فن: در فلسفه و علوم قدیم.

مقاله هشتم در سه فن: در خرافات و غرایم و سحر و شعبده.

مقاله نهم در دو فن: در مذاهب و اعتقادات.

مقاله دهم: در اخبار کیمیاگران.

ترجمه فارسی الفهرست در سال ۱۳۴۳ ش به همت محمدرضا تجدد به انجام رسید و منتشر گردید (مرادی، ۳۶).

#### ۳. رسائل اخوان الصفاء

هدف گروه اخوان الصفاء و خلان الوفاء گسترش معرفت فلسفی و نزدیک کردن حکمت یونانی و دین اسلام به هم. رسائل اخوان الصفا شامل تمام مسائل علوم منطقی و ریاضی و

۶. مراتب العلوم ابن حزم اندلسی (قرن ۵)

ابن حزم در این اثر تقسیم‌بندی از هفت علم نام می‌برد که سه مورد آن سبب جدایی امتی از امت دیگر می‌شود: علم شریعت؛ علم اخبار (تاریخ)؛ علم زبان (لغت) که وجه تمایز امت هاست. اما در چهار علم دیگر همه امت‌ها اتفاق دارند: علم نجوم؛ علم حساب؛ علم پزشکی؛ فلسفه.

۷. جامع العلوم یا حدائق الانوار فی حقایق الاسرار از فخرالدین

رازی (قرن ۷ و ۶)

این اثر، دائرةالمعارفی است از علوم متداولهٔ زمان. بعضی از نسخ این کتاب شامل چهل علم است و به همین سبب هم حاجی خلیفه در کشف‌الظنون آن را جامع چهل علم شمرده است. در پاره‌ای نسخ بیشتر از چهل علم و در بعضی شصت علم مورد بحث قرار گرفته است و از این روی کتاب را «ستینی» هم می‌گویند (مرادی، ۹۸).

۸. اخلاق ناصری از خواجه نصیرالدین توسی (قرن ۷)

وی در مقدمهٔ این کتاب علوم را به دو دسته تقسیم می‌کند: حکمت نظری؛ حکمت عملی  
حکمت نظری شامل:

علم مابعدالطبیعه که خود شامل دو فن است: معرفه‌الله (علم الهی)؛ معرفت امور کلی که احوال موجودات است (فلسفه اولی).

۲. علم ریاضی؛ اصول علم ریاضی چهار نوع بود: معرفت مقادیر و احکام و لواحق آن (علم هندسه)؛ معرفت اعداد و خواص آن (علم عدد)؛ معرفت اختلاف اوضاع اجرام علوی به نسبت با یکدیگر و اجرام سفلی و مقادیر حرکات و اجرام و ابعاد ایشان (علوم نجوم)؛ معرفت نسبت مؤلفه و احوال آن (علم تألیف).

۳. علم طبیعی شامل هشت صنف بود: معرفت مبادی متغیرات، چون زمان و مکان و حرکت و سکون (سماع طبیعی)؛ معرفت اجسام بسیطه و مرکبه و احکام بسایط علمی و سفلی و آن را سماء و عالم گویند؛ معرفت ارکان و عناصر و تبدل صور بر مادهٔ مشترکه و آن را علم کون و فساد گویند؛ معرفت اسباب و علل حدوث حوادث هوایی و ارضی مانند رعد و برق و صاعقه و باران (آثار علوی)؛ معرفت مرکبات و کیفیت ترکیب آن (علم معادن)؛ معرفت اجسام نامیه و نفوس و قوای آن (علم نبات)؛ معرفت احوال اجسام متحرکه (علم حیوان)؛ معرفت احوال نفس ناطقهٔ انسانی و چگونگی تدبیر و تصرف او در بدن و غیر بدن (علم نفس).

اما علم منطقی که حکیم ارسطاطالیس آن را مدون کرده است

و از قوت به فعل درآورده مقصور است بر دانستن کیفیت دانستن چیزها و طریق اکتساف مجهولات. پس در حقیقت آن علم به علم است و به منزلت ادات است برای تحصیل دیگر علوم. این است تمامی اقسام حکمت نظری.

حکمت عملی شامل تهذیب اخلاق و تدبیر منزل و سیاست مدن است (خواجه نصیرالدین توسی، ۴-۳۸). وی پزشکی را به فیزیک اضافه کرد و ستاره‌شناسی و کشاورزی را به تقسیم‌بندی علوم اضافه کرد (داوودی، ۵۱).

۹. درةالتاج لغزۃ الدباج یا أُمُودَج العلوم از قطب‌الدین شیرازی

(قرن ۷ و ۸)

این اثر دائرةالمعارفی فلسفی به زبان فارسی است و به دلیل آن که دوازده علم را شامل می‌شده، بعدها به أُمُودَج العلوم معروف می‌شود. قطب‌الدین در نگارش این اثر، پس از مقدمه‌ای بر علم، آن را در پنج مجلد به این ترتیب نگاهشته است: منطوق در هفت مقالت؛ فلسفهٔ اولی در دو فن و هر فن در هفت مقالت؛ طبیعیات در دو فن و هر فن در هفت مقالت؛ ریاضیات در چهار فن و در مجموع مشتمل بر سی و هفت مقالت؛ علم الهی در دو فن و هر فن مشتمل بر هفت مقالت؛ خاتمه در چهار قطب مشتمل بر اصول دین و فروع آن و حکمت عملی و سلوک راه حق. قطب‌الدین بخش‌هایی از درةالتاج را با کمی تغییر در عبارات از اسرار التنزیل فخرالدین رازی و احیاءالعلوم الدین غزالی و اقسام العلوم العقلیه ابن سینا آورده است. طرح اصلی کتاب درةالتاج مشتمل بر مقدمه، منطوق، طبیعیات، ریاضیات و علم الهی است. مراجعه به تاریخ حکمت ایرانی-اسلامی در دوران مابعد قطب‌الدین شیرازی آشکار می‌کند که این کتاب مورد توجه بسیاری از علمای بعد از او قرار گرفته است و نخستین دائرةالمعارف فلسفی است که به زبان فارسی نگاهشته شده است و در ضمن این اثر بر خلاف سایر دانشنامه‌های موجود، علوم دینی را نیز در بر گرفته است (کریمی زنجانی، ۴۶۹). مؤلف این کتاب در تدوین آن غیر از تحریرات قدیم ریاضی و کتب ابن سینا از تصنیفات شیخ اشراق و شاگردان او نیز ظاهراً استفاده کرده است.

۱۰. نفائس الفنون فی عرائس العیون از شمس‌الدین آملی (قرن ۸)

این اثر دربارهٔ شرح موضوعات علوم است که در حکم دائرةالمعارف جامع و مفصلی در علوم قدیم است که مؤلف، آن را با نهایت تبهر و دقت نوشته و در همه ابواب چنان که باید از عهدهٔ کار دشوار خود برآمده و مطالب غامض علمی را با انشایی درست و متقن به صراحت و روشنی ادا کرده است. این اثر

متضمن بحث در ۷۵ علم از علوم اوایل و ۸۵ علم از علوم عهد اسلامی است. آملی پیش از شروع به بحث درباره اقسام علمی که نام برده ایم مقدمه ای مشتمل بر سه فایده ترتیب داده، «یکی بیان شرف علم، دوم تقسیم علوم، سیم در ترتیب کتب» و آن «فایده» که در تقسیم علوم است با آن که کوتاه است، برای شناخت نظر قدما درباره علوم و تقسیمات آن سودمند به نظر می آید. بعد از این مقدمه شمس الدین آملی به بحث درباره علوم اوایل و آخر، متضمن هشتاد و پنج علم که بر ۳۶ فن نهاده شده و سپس درباره علوم اوایل متضمن ۷۵ علم که آن بر ۳۳ فن نهاده شده قیام کرده و هر فن را به فصولی تقسیم کرده است (مرادی، ۹۸).

#### ۱۱. مقدمه ابن خلدون (قرن ۹)

وی علوم را به دو دسته نقلی و عقلی تقسیم می کند. علوم عقلی مسائلی است که برای انسان طبیعی است، از این رو که وی دارای اندیشه است و بنابراین دانش های مزبور اختصاص به ملت معینی ندارد، بلکه همه افراد، همه ملت ها در آن می اندیشند و در درک مسائل و مباحث آن با هم برابرند و این دانش ها در نوع بشر از آغاز اجتماع و عمران طبیعی وجود داشته است و آنها را به نام دانش های فلسفه و حکمت می خوانند و مشتمل بر چهار دانش است:

- دانش منطق؛

- دانش ارثماتیکی (Arithmetique)؛

- دانش موسیقی؛

- هیئت (نجوم) (عبدالرحمن بن خلدون، ۹۹۹).

#### ۱۲. مفتاح السعادة ومصباح السيادة از طاش کپری زاده

مفتاح السعادة دائرة المعارفی است در علوم و فنون به زبان عربی که کمال الدین طاش کپری زاده (پسر مؤلف) آن را در اوایل سده یازدهم از عربی به ترکی ترجمه کرد. طاش کامل ترین رده بندی در جهان اسلام را ارائه داده است (مرادی، ۹۹). وی علوم را به هفت بخش تقسیم می کند:

بیان؛ فصاحت؛ منطق؛ فلسفه نظری؛ فلسفه عملی؛ علم، ایجابی نظری؛ علم ایجابی عملی (داوودی، ۵۰).

#### ۱۳. کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون اثر حاجی خلیفه (قرن ۱۱)

این اثر، کتابی است الفبایی حاوی اسامی کتاب های اسلامی و شرح حال مؤلفان آنها که اکثراً آنها را حاجی خلیفه در کتابخانه های استانبول و دمشق دیده و یادداشت کرده است. این کتاب حاوی مقدمه ای بسیار طولانی و جامع در احوال علوم است که به فصول و باب هایی چند تقسیم می شود:

فصل اول. در ماهیت علم؛

فصل دوم. اختلاف نظرها و قول ها درباره علم؛

فصل سوم. در موضوع غایت علم مدون؛

فصل چهارم. در پیرامون تقسیم علوم؛

فصل پنجم. در مراتب شرافت علوم (مرادی، ۳۷).

در این کتاب حدود پانزده هزار کتاب معرفی شده است و تقسیمات آن دارای جزئیات است به نحوی که سیصد نوع دانش و فن و صنعت را معرفی می کند (داوودی، ۵۰).

#### منابع

۱. هوشنگ ابرامی. شناختی از دانش شناسی (علوم کتابداری و دانش رسانی)، نشر کتابدار، تهران، ۱۳۷۸.
۲. محمود حقیقی. مروری بر رده بندی نظری و رده بندی عملی، نشریه علوم تربیتی دانشکده روان شناسی دانشگاه تهران، ش ۳ و ۴، ۱۳۴۶.
۳. مهدی داوودی. «مطالعه تطبیقی-تاریخی رده بندی دانش و رده بندی کتابخانه ای با تأکید بر تأثیر فرانسویس بیکن و آگوست کنت بر رده بندی دهدهی دیوئی»، پایان نامه کارشناسی ارشد کتابداری دانشکده روان شناسی دانشگاه تهران، ۱۳۶۹-۷۰.
۴. دائرة المعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی و کامران فانی و بهاء الدین خرمشاهی، ج ۱، بنیاد اسلامی طاهر، تهران، ۱۳۶۶.
۵. خواجه نصیرالدین طوسی، اخلاق ناصری، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری خوارزمی، تهران، ۱۳۵۶.
۶. فلیس شاله. شناخت روش علوم یا فلسفه عملی، ترجمه یحیی مهدوی، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۶.
۷. احمد طاهری عراقی. رده BP: اسلام، کتابخانه ملی، تهران، ۱۳۷۶.
۸. عبدالرحمن بن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۲.
۹. غلامرضا فدایی عراقی. طرحی نو در طبقه بندی علوم، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، تابستان و پاییز ۱۳۸۰.
۱۰. محمد کریمی زنجانی. درة التاج، دائرة المعارف تشیع، ج ۷، نشر سعید محبی، تهران، ۱۳۷۸.
۱۱. نورالله مرادی. مرجع شناسی: شناخت خدمات و کتاب های مرجع، فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۷۶.
۱۲. محمدباقر مقدم. درآمدی بر رده بندی علوم، کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، قم، ۱۳۷۳.